

# فقط دربارهٔ موسیقی

هاروکی موراکامی در گفت‌وگو با سیدی اوزاوا

ترجمهٔ آرش اسماعیلی





مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور  
تهران، پل چوبی، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف  
کدپستی ۱۶۱۹۷۵۵۱۶  
تلفن: ۷۷۶۰۱۰۲۰

[www.mahoor.com](http://www.mahoor.com)  
[info@mahoor.com](mailto:info@mahoor.com)

### فقط درباره‌ی موسیقی

هاروکی موراکامی در گفتگو با سبچی اوزاوا

ترجمه  
آرش اسماعیلی

طراح و تصویرگر جلد	مهدی کریم‌زاده
صفحه‌آرایی	سمانه سرافراز
ویراستار علمی	آروین صداقت‌کیش
چاپ اول	۱۴۰۱
تعداد	۵۰۰ جلد
لیتوگرافی	باران
چاپ	محمد
صحافی	معین

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۷۲-۹۸-۲ ISBN: 978-964-8772-98-2

## فهرست

۷.....	مقدمه مترجم.....
۱۰.....	هاروکی موراگامی.....
۱۱.....	سیچی اوزاوا.....
۱۳.....	دیاچه.....
۲۹.....	گفتگوی نخست بیشتر درباره «کنسرتو پیانو شماره ۳» اثر بتهوون.....
۹۱.....	میان پرده نخست درباره صفحه جمع کن های مجنون.....
۹۷.....	گفتگوی دوم برامس در کارنگی هال.....
۱۲۱.....	میان پرده دوم نسبت نوشتن با موسیقی.....
۱۲۵.....	گفتگوی سوم در دهه ۱۹۶۰ چه خبر بود؟.....
۱۶۹.....	میان پرده سوم چوب رهبری اوژن اورماندی.....
۱۷۱.....	گفتگوی چهارم درباره موسیقی گوستاو مالر.....
۲۴۵.....	میان پرده چهارم از بلوز شیکاگو تا شین ایچی موری.....
۲۵۳.....	گفتگوی پنجم لذت های اپرا.....
۲۹۹.....	گفتگوی ششم تدریس، مسیر سراسستی نداره. پیش که رفتی، راه رو پیدا می کنی.....
۳۳۵.....	پیوست.....
۳۳۵.....	آهنگسازان.....
۴۰۲.....	رهبران ارکستر.....
۴۴۷.....	نوازندگان.....
۴۷۷.....	خوانندگان.....
۴۸۷.....	فهرست قطعات.....

## هاروکی موراکامی Haruki Murakami

زاده ۱۲ ژانویه ۱۹۴۹، کیوتو، ژاپن

نویسنده

برنده جوایزی چون

جایزه جهانی فانتزی، جایزه بین‌المللی داستان کوتاه فرانک اُکانر، جایزه فرانس کافکا، جایزه اورشلیم، جایزه ادبی نوما، جایزه فوجیتساوا، جایزه جونیچی

آثار

- به آواز باد گوش بسپار (۱۹۷۹)
- بین‌بال ۱۹۷۳ (۱۹۸۰)
- تعقیب گوسفند وحشی (۱۹۸۲)
- سرزمین عجایب بی‌رحم و ته دنیا (۱۹۸۵)
- جنگل نروژی (۱۹۸۷)
- برقص، برقص، برقص (۱۹۸۸)
- جنوب مرز، غرب خورشید (۱۹۹۲)
- سرگذشت پرنده کوکی (۱۹۹۵)
- دلدار اسپوتنیک (۱۹۹۹)
- کافکا در کرانه (۲۰۰۲)
- پس از تاریکی (۲۰۰۴)
- ۱ کیو ۸۴ (۲۰۱۰)
- سوکورو تازاکی بی‌رنگ و سال‌های زیارت‌اش (۲۰۱۳)
- کشتن کمانداتور (مردی که می‌خواست پرتره نیستی را بکشد) (۲۰۱۷)

مجموعه داستان‌ها

- پس از زلزله (شش داستان در فاصله سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۹) (۲۰۰۰)
- فیل ناپدید می‌شود (هفده داستان در فاصله سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۸۰) (۲۰۰۵)



- بید کور، زن خفته (۲۴ داستان در فاصله سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۸۰)  
(۲۰۰۹)
- مردان بدون زنان (هفت داستان در فاصله سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴)  
(۲۰۱۴)
- پرنده کوکی و زن سه‌شنبه
- اعلامیه کانگورو
- اول شخص مفرد (هشت داستان در فاصله سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۸)  
(۲۰۲۰)

- فرزند پدر و مادری که هر دو معلم ادبیات ژاپنی بودند  
- علاقمندی به فرهنگ و موسیقی غرب و روسیه از کودکی  
- مطالعه آثار فلوربر، دیکنز، کافکا، داستایوفسکی، وونه‌گات، کرواک،  
براتیگان، کارور  
- آغاز تحصیل در دانشگاه هنرهای نمایشی واسدا، ۱۹۶۸  
- افتتاح یک قهوه‌فروشی و بار جز در کولونچی، توکیو  
- فروش بار و تمرکز کامل بر نویسندگی به‌عنوان پیشه، ۱۹۸۱  
- تدریس در دانشگاه پرینستون، ۱۹۹۱  
- بازگشت به ژاپن، ۲۰۰۱

### سیجی اوزاوا Seiji Ozawa

زاده ۱ سپتامبر ۱۹۳۵، شن‌یانگ، ژاپن  
رهبر ارکستر

دارنده و برنده نشان‌ها و جوایزی چون  
لژیون د'ونور (شوالیه)، پرمیوم ایمپریاله، نشان دوستی، جایزه امی، جایزه  
مرکز کندی، ...

دارنده دکترای افتخاری از  
دانشگاه هاروارد، دانشگاه ماساچوست، دانشگاه ملی موسیقی بوخارست،  
کالج ویتون

- یادگیری پیانو از ۹ سالگی با تمرکز بر آثار باخ
- رهاکردن یادگیری پیانو بخاطر آسیب دیدگی انگشت دست در راگبی
- تغییر گرایش به رهبری ارکستر در مدرسه موسیقی توهو گاکوئن به  
توصیه پروفیسور هیدئو سائتو
- کسب رتبه اول مسابقات رهبری ارکستر در بزانشون، فرانسه
- دعوت به مرکز موسیقی تنگلوود از جانب شارل مونش
- کسب جایزه سرژ کوسیویتسکی
- کسب بورسیه برای تحصیل نزد هربرت فون کارایان در برلین غربی
- همکاری با لئونارد برنستاین به عنوان دستیار رهبر ارکستر فیلارمونیک  
نیویورک بین سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۶۲ و ۱۹۶۴-۱۹۶۵
- فعالیت به عنوان اولین مدیر هنری جشنواره راوینیا از ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸
- مدیر موسیقی ارکستر سمفونیک تورنتو، ۱۹۶۵-۱۹۶۹
- مدیر موسیقی ارکستر سمفونیک سن فرانسیسکو، ۱۹۷۰-۱۹۷۷
- مدیر موسیقی ارکستر سمفونیک بوستون برای ۲۹ سال از ۱۹۷۳
- تأسیس ارکستر سائتو کینن، ۱۹۹۲
- رهبر ارکستر اپرای دولتی وین، ۲۰۰۲
- تأسیس اپرای نوموری، توکیو، ۲۰۰۵
- انصراف از کلیه فعالیت‌های هنری به علت ابتلا به سرطان مری،  
۲۰۱۰

## دیباچه

### بعد از ظهرهای من با سیجی اوزاوا<sup>۱</sup>

تا پیش از آغاز گفتگوهای این کتاب، هیچ‌گاه گفتگویی جدی دربارهٔ موسیقی با سیجی اوزاوا نداشتم. درست است که بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ که او هنوز مدیر ارکستر سمفونیک بوستون<sup>۲</sup> بود، من هم در این شهر زندگی می‌کردم و به اغلب کنسرت‌هایی که او رهبری می‌کرد، می‌رفتم، اما من هم تنها هوادار ناشناس دیگری در میان مخاطبان‌اش بودم. کمی پس از این دوره بود که من و همسرم با دخترش، سیرا<sup>۳</sup>، دوست شدیم و گاه‌گاهی پیش می‌آمد که با پدرش دیدار و گفتگویی داشته باشیم. اما آشنایی ما چیزی غیر حرفه‌ای بود و به کار او یا من ربطی نداشت.

شاید چیزی که تا این اواخر نگذاشت هیچ‌گاه دربارهٔ موسیقی به صورت جدی صحبت کنیم، این بود که تمام فکر مایسترو<sup>۴</sup> درگیر کارش بود.

- 
1. Seiji Ozawa
  2. Boston Symphonic Orchestra
  3. Seira
  4. Maestro

از این رو، هرگاه برای آن که چیزی بنویسیم دور هم جمع می‌شدیم، لاجرم درباره چیزی غیر از موسیقی حرف می‌زدیم. حداکثر این بوده که ملاحظاتی پراکنده درباره موضوعاتی موسیقایی را با هم در میان گذاشته باشیم، که آن هم رَه به جایی نمی‌برد. اوزاوا از آن جمله افرادی است که همه انرژی‌شان را معطوف کارشان می‌کنند و وقتی از آن بیرون می‌آیند، نیاز دارند هوایی تازه کنند. با این شناخت، زمان‌هایی که در کنارش بودم، از اقامه موضوعات موسیقایی خودداری می‌کردم.

با این حال، در دسامبر ۲۰۰۹، مشخص شد که اوزاوا به سرطان مری مبتلاست و پس از جراحی سختی در ماه بعد، مجبور شد فعالیت‌های موسیقایی‌اش را محدود کرده، برنامه‌های دشوار دوران نقاهت و توانبخشی را جایگزین آن کند. همین رژیم بود که باعث شد رفته‌رفته، هرگاه هم دیگر را می‌دیدیم، درباره موسیقی بیشتر صحبت کنیم. هرچقدر هم که ضعیف شده بود، صحبت به موسیقی که می‌رسید، جانی تازه می‌یافت. هرگونه گفتگویی درباره موسیقی، حتی با فردی عامی در این حوزه، چون من، سر حال‌اش می‌آورد. احتمالاً به این دلیل که همین ناشی بودن من، خیال‌اش را آسوده‌تر می‌کرد.

من برای نیم‌قرن، یک طرفدار پُرشورِ جَز بوده‌ام. اما موسیقی کلاسیک را هم با همان اشتیاق گوش می‌کردم. از دوران دبیرستان، صفحه موسیقی کلاسیک جمع می‌کردم و تا حدی ممکن هیچ کنسرتی را هم از دست نمی‌دادم. به خصوص، زمانی که در اروپا زندگی می‌کردم، یعنی از ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹، غرق در موسیقی کلاسیک بودم. گوش کردن به موسیقی کلاسیک و جَز، همواره هم محرکی تأثیرگذار، هم مایه آرامش جان و ذهن‌ام بوده است. اگر به من بگویند ناگزیری از میان این دو، یکی را انتخاب کنی، زندگی‌ام دچار نقصانی بی‌نهایت خواهد شد. چنان که دوک الینگتون<sup>۵</sup> یک‌بار گفته، «تنها دو گونه موسیقی وجود دارد، موسیقی خوب، و آن گونه دیگر.» با این وصف، موسیقی کلاسیک و جَز، از اساس هم‌ترازند. حَظِ نابی که فرد از

---

5. Duke Ellington



این گفتگوی بلندِ مورا کامی با اوزاوا مملو است از ملاحظات و ظرایفی که یک موزیسین حرفه‌ای باید در کارش لحاظ کند، اما در کتابی تخصصی نمی‌یابد و امکان آزمودن عملی آن - حداقل در این سطح - نیز، برای همگان مهیا نیست. آنچه در این نشست‌ها گفته می‌شود، نه تنها متریالی کاربردی است که می‌تواند مورد استفاده اجراکنندگان موسیقی قرار بگیرد و صحت و کیفیت اجرای شان را ارتقاء ببخشد، که نور افکندن بر زوایایی پنهان از شاهکارهای تاریخ موسیقی است که برای مخاطبان جدی، آگاهی گسترده‌تر و ژرف‌تر و در نتیجه، حطی دوچندان به ارمغان خواهد آورد.

در یک سوی این میز کوتاه ژاپنی، موسیقیدانی سال مند نشسته که از معدود رهبرانی است که اقبال شاگردی دو رهبر افسانه‌ای، هربرت فون کارایان و لئونارد برنستاین و در نتیجه، درک عمیق و بی‌واسطه دو مکتب و رویکرد اجرایی مهم تاریخ موسیقی را یافته، و در سوی دیگر، ادیبی نشسته که در داستان‌هایش بارقه‌هایی از انس و دل‌بستگی‌اش به موسیقی هویداست، اما این‌جا، به یک باره، در قامت موسیقی‌شناسی دقیق و آگاه، رخ می‌نمایند.



مؤسسه فرهنگی-هنری ماهور  
Mahoor Institute of Culture and Arts  
www.mahoor.com info@mahoor.com



قیمت: ۲۹۰۰۰۰ تومان